

# ارزیابی جرم شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیق مراقبتی\* و آزادی مشروط

دکتر حسین غلامی\*\*

## چکیده:

تکرار جرم به عنوان یکی از پدیده‌های مبتلابه همه نظامهای حقوق کیفری، تعداد کثیری از نهادهای جزایی را به چالش طلبیده است. در میان نهادهای مختلف حقوق جزا، هم از جهت سابقه تأسیس، و هم به دلیل پشتوانه نظری، آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی دارای جایگاه ممتازی می‌باشند. لیکن به پذیرش فوق‌العاده این دو نهاد در نظامهای مختلف جزایی، رویارویی تکرار جرم با آنها موجب طرح پرسشهای جدی شده است. در این مقاله ضمن بررسی تاریخ مختصر این دو نهاد به ارزیابی کارایی یا ناکارایی آنها، براساس یافته‌های کثیری از پژوهش‌های جرم شناختی، پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** آزادی مشروط، تعلیق مراقبتی، تکرار جرم، پیش‌بینی تکرار جرم.

\* probation

\*\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

در میان نهادهای مختلف حقوق کیفری، دو نهاد آمریکایی - انگلیسی از جایگاه ممتازی برخوردارند. تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط در حال حاضر نه تنها در اکثر نظامهای کیفری مورد قبول و اقبال قرار گرفته اند، بلکه موضوع بسیاری از پژوهش‌های جرم‌شناختی نیز واقع شده‌اند. استقبال بیشتر از این دو نهاد، بویژه با افزایش جمعیت کیفری از یک طرف، و عدم کارایی مورد انتظار کیفر سالب آزادی از سوی دیگر، رو به فزونی گذارده است. با وجود این، بسیاری از بزهکاران، به رغم آزادی از زندان پس از برخورداری از تعلیق مراقبتی یا آزادی مشروط، در طول مدت برخورداری از این دو نهاد و یا بعد از آن، مرتکب تکرار جرم شده یا شرایط آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی را نقض می‌نمایند. ارتکاب مکرر جرم از سوی این دسته از بزهکاران، سیاست‌گذاران جنایی را با پرسشهای پیچیده و تردیدهای جدی روبرو می‌سازد.

آیا این دو نهاد تأثیر اصلاحی قابل ملاحظه‌ای بر بزهکاران داشته و آنان را از ارتکاب مکرر جرم منصرف می‌نمایند؟ یا آنکه بزهکاران با برخورداری از این دو تأسیس حقوق کیفری، از آنها به عنوان فرصتی برای استمرار فعالیت مجرمانه خود استفاده می‌کنند؟ آیا میان نرخ تکرار جرم کسانی که از آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی استفاده ننموده‌اند با نرخ تکرار جرم کسانی که مشمول این دو نهاد واقع شده و از امتیازات آنها استفاده کرده‌اند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد؟ یا استفاده از چه روش‌هایی می‌توان میزان کارایی و تاثیرگذاری این دو نهاد را برای پیشگیری از وقوع مکرر جرم افزایش داد؟

تردیدی نیست که اگر تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط فاقد کارایی لازم در پیشگیری از بزهکاری و عدم استمرار ارتکاب جرم باشند، برخورداری بزهکاران از امتیازات این دو نهاد در واقع به معنای برخورداری از فرصتی مجدد برای تهدید نظم و امنیت اجتماعی خواهد بود. دقیقاً با درک چنین دغدغه و تردیدی بوده است که بویژه از نیمه دوم قرن بیستم پژوهش‌های متعدد جرم‌شناختی به ارزیابی حدود کارایی و تاثیرگذاری و اثربخشی این دو تأسیس حقوقی - کیفری پرداخته‌اند. ارزیابی مشترک این دو نهاد خاصه به این دلیل بوده است که به لحاظ سنتی تعلیق مراقبتی و آزادی

مشروط به عنوان شایع‌ترین و نیز قدیمی‌ترین نهادهای جایگزین کیفر سالب آزادی مورد توجه قانونگذاران و مجریان عدالت کیفری قرار گرفته و در نتیجه منجر به آزادی بزهکارانی می‌شود که اصولاً می‌بایست مدتی را در زندان سپری نمایند. به عبارت دیگر مهم‌ترین نقطه اشتراک این دو نهاد که همانا آزادی زود هنگام بزهکار یا عدم تحمل حبس به دلیل برخورداری از آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی است زمینه‌ای برای ارزیابی مشترک این دو نهاد در بسیاری از پژوهش‌های جرم‌شناختی بوده است. در این مقاله ضمن مطالعه مختصر تاریخچه این دو نهاد امریکایی - انگلیسی، با استفاده از روش فراتحلیلی و مطالعه نتایج برخی پژوهش‌های جرم‌شناختی، به ارزیابی تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط بر مبنای میزان موفقیت آنها در پیشگیری از تکرار جرم، خواهیم پرداخت. تکرار جرم از آن جهت معیار ارزیابی کارایی یا ناکارایی این دو نهاد قرار گرفته است که اولاً عدم تحقق آن مناسبترین شاخص تاثیر گذاری اقدامات اصلاحی و تربیتی تلقی شده و ثانیاً وقوع آن ضرورت بازنگری در روش‌های اعطای آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی را گریز ناپذیر می‌سازد.

## مبحث اول: تاریخچه و جایگاه حقوقی تعلیق مراقبتی و ارزیابی جرم‌شناختی آن

در سه دهه گذشته مطالعات متعددی راجع به تکرار جرم و تعلیق مراقبتی و رابطه این دو صورت گرفته است. در اینجا منظور از تعلیق مراقبتی معنای عام آن، بدون تاکید بر تعلیق مراقبتی صغار یا مجرمین بزرگسال و غیره است. در حال حاضر با افزایش جمعیت زندانها تلاش برای آزاد ساختن مجرمین از طریق استفاده از نهاد تعلیق مراقبتی در اکثر کشورها افزایش یافته است، این امر تنها یکی از دلایل استفاده از این نهاد است. دلیل دیگر، پیشگیری از وقوع پدیده «پذیرش فرهنگ از زندان»<sup>۱</sup> است و پذیرش فرهنگ از زندان، خود از علل تکرار جرم محسوب می‌شود. بنابراین برای جلوگیری از این پدیده، پیشگیری از زندانی شدن بزهکاران با تعلیق مراقبتی و جلوگیری از زندان زدگی آنان با آزادی مشروط، راه حل مناسبی است که در اکثر

نظامهای حقوقی پذیرفته شده است. اما آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم آیا تعلیق مراقبتی که به عنوان تدبیری جهت جلوگیری از "پذیرش فرهنگ زندان" و در نتیجه، پیش‌گیری از تکرار جرم مورد استفاده قرار گرفته است (و البته علل دیگری نیز آن را توجیه می‌کنند) در این امر موفق بوده است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا در طول دوره تعلیق مراقبتی که معمولاً با نظارت همراه است امکان تحقق تکرار جرم وجود دارد یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، چگونه و تا چه اندازه؟ اهمیت یافته‌های این تحقیق و تحقیقات دیگر، آن است که می‌تواند در راستای اتخاذ سیاستگذاری صحیح راجع به تعلیق مراقبتی برخی از مجرمین و از جمله مرتکبان جرائم جنایی و ... مورد استفاده قرار گیرد، زیرا آزادی این دسته از مجرمین به واسطه تعلیق مراقبتی، اگر با تکرار جرم فزاینده روبرو باشد، در عمل به معنای تهدید جامعه و در نتیجه بزه‌دیدگی مجدد اعضای آن است. این امر می‌تواند مخصوصاً قضات دادگاه‌ها را در اتخاذ تصمیم صحیح یاری دهد.

به نظر می‌رسد پیش از بحث درباره تکرار جرم و تعلیق مراقبتی، ارائه توضیحاتی در مورد این نهاد و تاریخچه آن ضروری باشد.

### گفتار اول: تاریخچه و جایگاه حقوقی تعلیق مراقبتی

به وجود آمدن نهاد تعلیق مراقبتی به فعالیت‌های کفاشی از اهالی بوستون آمریکا به نام جان آگوستوس (*John Augustus*) بر می‌گردد. مردی که او را پدر تعلیق مراقبتی لقب داده‌اند و اولین کسی بود که واژه *Probation* را به این نهاد اصلاحی اطلاق نمود.<sup>۱</sup>

در ابتدا که او با پرداخت وثیقه تمهید نمود وظیفه بازپروری و کار آموزی مردی را که مست کرده بود بر عهده گیرد، به عنوان یک مامور تعلیق مراقبتی عمل کرد. قاضی مردمست را به اعمال شاقه در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرده بود. آگوستوس این مجازات را غیر عادلانه دانست و قضات را متقاعد نمود که با پرداخت وثیقه، وظیفه بازپروری محکوم علیه را بر عهده گیرد. قضات پس از دریافت وثیقه، از

1- Dressler, David, (1970). *Practice and theory of Probation and Parole*.  
New York: columbia University Press , P.21

او تمهید گرفتند که سه هفته بعد محکوم علیه را برای تحمل مجازات به دادگاه آورد. سه هفته بعد، او مردی هشیار (و نه مست) را به دادگاه آورد. در حالی که دادگاه سخت تحت تاثیر قرار گرفته بود، به جای تحمیل مجازات معمول (حبس در کانون اصلاح و تربیت با اعمال شاقه) او را به پرداخت یک سنت به عنوان جریمه نقدی محکوم نمود.<sup>۱</sup>

اگوستوس در مدت حدود ۱۸ سال (از سال ۱۸۴۱ تا زمان مرگش در سال ۱۸۵۹) ۱۱۵۲ مرد و ۷۹۴ زن را به همین شیوه از زندان آزاد کرد.<sup>۲</sup> او با اعتقاد عمیق به اینکه « هدف قانون، اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم است نه مجازات کینه توزانه یا انتقام جویانه از آنان »، دارای انگیزه‌ای قوی در این باره بود.<sup>۳</sup>

اگوستوس به زندانیان مشمول تعلیق مراقبتی کمک می‌کرد یا مقرر می‌نمود که به نحو سودمندی کار کنند، آرامش خود را حفظ نمایند و مرتباً به دادگاه گزارش دهند. با این نظارت دقیق، او به میزان بالایی از موفقیت دست یافت. بین سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۵۹ قضات تقریباً ۲۰۰۰ مجرم را با تضمین‌های او آزاد کردند و بر اساس گفته اگوستوس تنها یک مجرم به اعتماد او خیانت کرد و گریخت.<sup>۴</sup>

توفیق اگوستوس در بازپروری مجرمان منجر به قانونی شدن نهاد تعلیق مراقبتی در امریکا گردید. این نهاد برای اولین بار در سال ۱۸۷۸ زمانی که مقنن ایالت ماساچوست قانونی مبنی بر استخدام مأمور تعلیق مراقبتی برای دادگاه‌های کیفری حوزه بوستون تصویب کرد، شکل قانونی به خود گرفت.<sup>۵</sup> اشخاصی که برای این منظور مشغول به کار شدند ضرورتاً همان وظیفه‌ای را انجام می‌دادند که بنیانگذار این نهاد انجام می‌داد.

1- Allen, Harry E. Chris W. Elkridge, Edward, Latessa, and Gennaro Vito (1985), *Probation and Parole in America*, New York: The Free Press, P.40

2- Barnes, Harry E., and Negley D. Teeters (1959), *New Horizons in Criminology*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice - Hall, P. 5445 S

3- Dressler, David, *op.cit*, P.26

4- Champion, Deany. (1988), *Felony Probation*, New York, Praeger Publishers. P.22

5- Carter, Robert M. and Leslie T. Wilkins. (1976). *Probation, Parole, and Community Corrections*. New York: Par Publishers. P. 90

ابتدائاً، برخی ایالات امریکا همانند ماساچوست (۱۸۷۸)، میسوری (۱۸۹۷)، ورمونت (۱۹۸) و رودآیلند (۱۸۹۹) با استخدام پلیس برای تعلیق مراقبتی اقدام کردند، به ترتیبی که نهایتاً این نهاد تحت نظر دولت قرار گرفت. در سال ۱۹۱۰ قانونی به تصویب رسید که پلیس را ملزم به عدم مداخله در این نهاد می‌کرد و در سال ۱۹۱۳ پست مأمور تعلیق مراقبتی حوزه (شهر) بر اساس قانون خدمات شهری (*Civil Service Act*) به عنوان یک ردیف استخدامی به تصویب رسید.<sup>۱</sup> برنامه‌های تعلیق مراقبتی در انگلستان و (نیمکره غربی) تقریباً دو دهه بعد گسترش یافت. طبق نظر اسمیت و لونی، ایالت می‌سی‌سی‌پی آخرین ایالتی بود که در سال ۱۹۵۹ قانون تعلیق مراقبتی بزرگسالان را تصویب کرد.<sup>۲</sup>

در حال حاضر تعلیق مراقبتی، در مقیاس امروزی آن، بر پایه‌ها و مبانی فلسفه بازپروری (*rehabilitation*)، بازدارندگی (*Deterrence*) و عدالت (*Justice*) استوار شده است.<sup>۳</sup> البته تردیدی نیست که برای بسیاری از مجرمین، حبس می‌تواند تنها تصمیم منطقی باشد، خواه به دلیل خطر بالقوه آنان برای اجتماع یا به دلیل شدت و سنگینی جرایم ارتكابی آنها. با وجود این، برای بسیاری از مجرمین، تعلیق مراقبتی راه حل مناسبی جهت جلوگیری از زندانی شدن آنان و پیشگیری از تبعات زیان بار زندان و نیز بازپروری اجتماعی موفق آنان است.<sup>۴</sup> از دیدگاه جامعه شناختی، تعلیق مراقبتی می‌تواند به عنوان پاسخی از سوی جامعه در نظر گرفته شود. با استفاده از روش بازپروری مجرم، نه تنها به مسایل مالی (ناشی از زندان و هزینه‌های آن) توجه شده است، بلکه لکه و داغ ننگ بالقوه ناشی از اعمال مجازات حبس نیز کاهش می‌یابد، زیرا بیشتر مجرمین هنگامی که با نظام عدالت کیفری مواجه می‌شوند

1- Smith Alexander B., and Louis Berlin (1988). *Treating the criminal offender*. New York: Plenum Press

2- Smith and Louis, *op.cit.*, P.33

3- champion, *op.cit.* 40 op

4- Lemert, Edwin M. (1967), *Human deviance, Social, Problems, and Social*. Englewood Cliffs, NY: Prentice-Hall

و زمانی که در این فرایند، واجد عنوان «مجرم» یا «جنایتکار» می‌گردند، از آن پس تحت این عنوان شناخته می‌شوند یا خود را با این عنوان می‌شناسند.<sup>۱</sup>

در بسیاری موارد، وقتی یک مجرم با زندانی شدن به خارج از جامعه رانده می‌شود، جامعه نه تنها مجبور به پرداخت هزینه‌های نگهداری او در زندان است، بلکه باید به تأمین هزینه‌های خانواده او نیز (از جمله پیشگیری از بزه کاری آنان) اقدام نماید. به عنوان مثال، هزینه هر تخت زندان در سیستم زندانهای ایالتی امریکا در سال ۱۹۲۲ و ۱۹۹۳ به طور متوسط ۵۴/۲۰۹ دلار بوده است، با اندکی افزایش نسبت به سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۲ که متوسط آن ۵۳/۱۰۰ دلار بود. هزینه هر تخت زندان در کمترین سطح آن ۲/۴۰۲ دلار در مراکز نگهداری (با حفاظت متوسط) در فلوریدا بوده و حداکثر آن در مرکز نگهداری با حداکثر حفاظت در کانکتیکات (Connecticut) ۱۷۱/۱۰۰ دلار است.

تقریباً تردیدی وجود ندارد که کارکردن با مجرم در اجتماع (خصوصاً از طریق تعلیق مراقبتی) موثرتر از حبس او در زندان جهت بازپروری وی است.<sup>۲</sup>

استدلال دیگری که به نفع ضرورت تعلیق مراقبتی می‌شود، تأثیر زیان بار زندان بر زندانیان جدید (بدون سابقه) است. زندانی جدید معمولاً از زندانیان قدیم می‌آموزد که چرا و چگونه دستگیر شده‌اند، و چه کارهایی باید کرد تا از دستگیر شدن گریخت و چه روشها و فنونی را باید به کار بست تا منافع ناشی از بزه کاری افزایش یابد.

به رغم خصوصیات مثبت تعلیق مراقبتی، نمی‌توان از برخی انتقادات اساسی درباره این نهاد فارغ شد. یکی از انتقادات مهم درباره این نهاد، به کارایی و تاثیرگذاری آن باز می‌گردد. معمولاً تکرار جرم، معیاری برای تعیین کارایی یا عدم کارایی نهادهای اصلاح و تربیت است و می‌توان با در نظر گرفتن این معیار، به کارایی یا عدم کارایی آن پی برد.

انتقاد دیگری که معمولاً بر نهاد تعلیق مراقبتی وارد می‌شود، به ناهمگونی آن باز می‌گردد. آیا درست است که یک مجرم پس از محکومیت به تعلیق مراقبتی، ملزم به

1- Carter and Wilkins, *Op.cit.* P.90

2-Davis, *superk* (1992) "survey: Number of offenders under intensive Probation" increases: *Corrections Compendium, Lincoln, Nebraska: CEQA Publishing, P. 5*

انجام خدمات اجتماعی، درمان اعتیاد خود به مواد مخدر یا الکل و پرداخت ضرر و زیان به مجنی علیه گردد، در حالی که مجرم دیگری که به خاطر ارتکاب جرم معینی محکوم شده تنها با گذراندن مدت اندکی تحت تعلیق مراقبتی آزاد گردد و یا دیگری فقط محکوم به زندان شود؟

تعلیق مراقبتی، از نظر مراقبت و نظارت نیز قابل انتقاد است. اگر مهمترین هدف نهاد مذکور آن است که با قراردادن مجرم در جامعه و حمایت اجتماعی از او، او را دوباره به جامعه باز گردانیم، استفاده روز افزون از این روش ممکن است نتیجه عکس داشته باشد. اگر مأموران تعلیق مراقبتی توان کافی جهت مراقبت و نظارت، به خاطر افزایش کار و اشتغال، نداشته باشند، اهداف این نهاد برآورده نخواهد شد. "آلن" در سال ۱۹۸۵ این نکته را مورد توجه قرار داده است که افزایش اشتغال مأموران تعلیق مراقبتی، مانع از موفقیت این نهاد است. به علاوه، این اشتغال روز افزون ممکن است نتایج وخیمی، هم برای مأمور تعلیق مراقبتی و هم برای کسی که تحت نظر اوست، داشته باشد. در این صورت، مأمور تعلیق مراقبتی یا آزادی مشروط، توان نظارت کافی و ارائه کمکهای لازم را نخواهد داشت. از طرف دیگر، نقص و کاستی کیفیت نظارت و ارائه خدمات (*Supervision*) و خدمات (*Services*) قابل ارائه به ضرر کسانی خواهد بود که تحت تعلیق مراقبتی هستند.<sup>۱</sup> این دو نتیجه در فرایند کارآیی تعلیق مراقبتی تأثیر منفی دارد.

در خصوص جایگاه حقوقی تعلیق مراقبتی ذکر این نکته ضروری است که از نظر تاریخی، استفاده از این نهاد تنها برای مجرمانی عملی بوده است که فرض می‌شده خطر کمی برای جامعه دارند و با قرار گرفتن تحت نظارت مسؤولان تعلیق مراقبتی قابلیت بازپروری خواهند داشت. واژه پروبیشن (تعلیق مراقبتی) نیز ابتدا در راستای چنین مفهومی به کار می‌رفت<sup>۲</sup>، لیکن امروزه این واژه (پروبیشن) به عنوان «مجازات» تعریف می‌شود که بر اساس آن مرتکب جرم مجبور است مدتی را تحت نظارت در جامعه باقی بماند. براساس تعریفی که از «*Probation*» در طرح کانون وکلای آمریکا شده است: «تعلیق مراقبتی به معنای مجازاتی است که بدون اینکه به حبس

1- Allen, Harry and ..., OP. cit. P. 455 S

2- Petersilia, OP. cit., P. 2



مجرم بیانجامد. شرایطی را به وی تحمیل می‌کند و این اختیار را به دادگاه صادر کننده حکم می‌دهد که شرایط مجازات را تغییر داده یا در صورت تخلف مجرم از این شرایط، او را دوباره مجازات کند.<sup>۱</sup>

اساساً، تعلیق مراقبتی ارتباطی است میان دادگاه (نهاد مجازات)، جامعه و مجرم، که به وسیله آن مجرم می‌پذیرد که به تمام شرایط مقرر بر اساس حکم دادگاه عمل کند.<sup>۲</sup> و به علاوه می‌داند که هرگونه تخلف از شرایط تعلیق مراقبتی می‌تواند به حبس و مجازات او منتهی شود. بدین ترتیب، روشن میشود که واژه «*Probation*» به گونه‌هایی متفاوت به معنای تصمیمی قضایی (*Legal disposition*)، اقدام کیفری (*Punitive measure*) و تدبیری برای اعتدال و میانه‌روی (*Ameasure of leniency*) و عدم خشونت، و نیز به عنوان یک فرایند اداری (*Administrative Process*) و بالاخره به عنوان یک کاردرمانی اجتماعی (*As Social case work treatment*) و در زیر مجموعه‌های از نظام اصلاح و تربیت (*correction subsysteme*) به کار می‌رود.<sup>۳</sup>

1-American Bar Associations: Project. (1970) Standards relating to Probation, New York, American Association, P. 21

2- Champion, OP.cit.

3- Diana, Lewise. (1960). "What is Probation", "Journal of criminal Law, criminology and Police Science 51: Pp.189-208.

در سال ۱۹۶۰ نویسنده مذکور کلیه نوشته‌های راجع به تعریف تعلیق مراقبتی از سال ۱۹۰۰ به بعد را مورد بررسی قرار داده، تعاریف این نهاد را در شش گروه جمع‌آوری کرده است.

۱) تعلیق مراقبتی فقط به عنوان یک تصمیم قضایی

۲) تعلیق مراقبتی به عنوان معیاری جهت عدالت، میانه‌روی و عدم سخت‌گیری

۳) تعلیق مراقبتی به عنوان یک اقدام کیفری

۴) تعلیق مراقبتی به عنوان یک فرایند اداری

۵) تعلیق مراقبتی به عنوان یک کاردرمانی اجتماعی

۶) تعلیق مراقبتی به عنوان ترکیبی از کار درمانی و اجرا

۴- جهت مطالعه برخی منابع فارسی در رابطه با این نهاد مراجعه شود به:

کواشی هامایی - رنویه - روبرت هاریس، مایک‌های - لوکلیا ساز و کیک، تعلیق مراقبتی در دنیا، ترجمه دکتر حسین آقای نی، چاپ اول، نشر میزان - ۱۳۷۶ - حمید هاشم بیگی، پروبیشن: تعلیق مراقبتی مجازات در حقوق انگلیس و کشورهای کامن‌لاو - رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،

مقایسه این گستره از تعاریف تعلیق مراقبتی با آنچه در پرویشن سنتی (تعریف کانون وکلای امریکا) آمده است، می‌تواند تفاوت این دو نوع را بخوبی نشان دهد. در میان شش گروه از تعاریف ارائه شده برای تعلیق مراقبتی، سه گروه اول از تعاریف مذکور بر آن فقط به عنوان یک تصمیم قضایی، معیاری جهت اعتدال و عدم خشونت و به عنوان یک اقرار کیفری تاکید نموده اند، در حالی که سه تعریف دیگر ناظر به فرایند این نهاد می‌باشد.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: تعلیق مراقبتی و تکرار جرم

یکی از اولین تحقیقات ناظر به تکرار جرم و تعلیق مراقبتی بوسیله "موريس كرادول" در سال ۱۹۵۱ انجام گرفت. در این تحقیق او به بررسی ۱۸۶۲ بزه‌کار در "آلاباما" پرداخت که زمان تعلیق مراقبتی آنها بین اول جولای ۱۹۳۷ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۲ به اتمام رسیده بود.<sup>۲</sup> تعریف این نویسنده از تکرار کننده جرم شامل هر کسی می‌شود که با تخطی از شرایط نتواند دوره تعلیق مراقبتی را به طور کامل بگذراند. عوامل سن، وضعیت اشتغال، تعداد جرائم ارتكابی، محکومیت‌های سپری شده در کانون اصلاح و تربیت و طول مدت نظارت برای تعلیق مراقبتی به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر نتیجه تعلیق مراقبتی، در این تحقیق، مد نظر قرار گرفتند.<sup>۳</sup> محقق در پایان نتیجه می‌گیرد که تعلیق مراقبتی یک روش مؤثر درمان اجتماعی است؛ زیرا ۷۷٪ از بزه‌کاران با موفقیت مقررات تعلیق مراقبتی را رعایت کرده و دوباره مرتکب جرم نشده‌اند. رابطه تعلیق مراقبتی و تکرار جرم به وسیله پژوهشگران دیگری به نام رالف و انگلند<sup>۴</sup> در سال ۱۹۵۵ نیز مورد بررسی قرار گرفت. آنان به بررسی نرخ تکرار جرم در میان ۵۰۰ مجرم مشمول تعلیق در بخش شرقی پنسیلوانیا پرداختند. این

1- Carlson, Eric W., and Evalyn c. Parks. (1979). *Critical issues in Adult Probation*, Washington D.C., Government Printing office.

2- Cradwell, morris G. (1951). " Review of a new type of Probation study made in Alabama. " *Federal Probation*, 15: 3-11

3- Cradwell, op.cit. p.10

4- England, Ralph w (1955) " A study of Postprobation Recidivism among five hundreded federal " convicted Federal probation. 19: 10-16

گروه مشتمل بر بزه‌کلرانی بودند که زمان تعلیق مراقبتی آنان با موفقیت از اول ژانویه سال ۱۹۳۹ تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۴۴ به پایان رسیده بود. آنان به عنوان بخشی از مجازات، به زندان محکوم نشده بودند و تحت نظارت مأموران تعلیق مراقبتی حوزه قضایی شرق پنسیلوانیا قرار داشتند. پرسش مهم در این تحقیق این بود که «تا چه اندازه این ۵۰۰ بزه‌کار مطیع قانون خواهند بود و چه متغیرهایی در نتیجه قانونی یا غیر قانونی بودن اعمال آنان، مؤثر است»<sup>۱</sup>

خصوصیاتی که به طور مشخص در این تحقیق با تکرار جرم ارتباط داشتند عبارت بود از: سابقه محکومیت کیفری، جوانی، عدم ثبات شخصیتی و سطح پایین پیشینه اجتماعی، اقتصادی و شهری. یافته‌های رالف و انگلند در این تحقیق تقریباً با یافته‌های "کرادول" قابل مقایسه است. او دریافت که نرخ تکرار جرم برای کسانی که دوره تعلیق مراقبتی را طی کرده اند (*Post-Probationers*) ۱۷٪ بوده است (در مقایسه با ۲۳ درصدی که در مورد تحقیق "الاباما" به وسیله "کرادول" انجام گرفت).

در سال ۱۹۶۹ نیز سه محقق به نامهای "لاندیس"، "هرسر" و "تولیف" به تحقیق درباره بزرگسالان مشمول تعلیق مراقبتی پرداختند. آنان با بررسی سوابق کلیه بزرگسالانی که دوره تعلیق مراقبتی را بر اساس رأی دادگاه عالی ساکرامنتو (کالیفرنیا)، در فاصله سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۳ گذرانده بودند، گروهی را برای تحقیق انتخاب کردند.<sup>۲</sup>

در این تحقیق، تکرار کننده گستره جرم به کسی اطلاق می‌شود که از شرایط تعلیق مراقبتی تخطی کند و یا به ارتکاب جرائم دیگری محکوم شده باشد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که ۴۱۵ بزه‌کار مشمول تعلیق مراقبتی با موفقیت دوره تعلیق مراقبتی خود را به اتمام رسانده، در حالی که ۳۷۶ نفر مرتکب تکرار جرم شده‌اند؛ در این تحقیق، سوابق محکومیت دوره کودکی و نوجوانی، سابقه محکومیت دوره بزرگسالی، وضعیت آموزشی، ناپایداری در ازدواج و مشکلات ناشی از آن و مشکلات

1- England, *op.cit.*, P.11

2- Landis, yudson R., James K. merecr and carole E. Wolff. (1969). "Success and failure at adult Probationers in california." *Journal of research in crime and delinquency*, Jan: 34-40.

نگهداری و حفظ شغل، به عنوان عواملی شناخته شد که موجب افزایش نرخ تکرار جرم می‌شوند. نرخ تکرار جرم در این تحقیق، در مقایسه با آنچه در دو تحقیق گذشته "کراول، رالف و انگلند" انجام یافته بود، بسیار بالاتر و تقریباً دو برابر تعدادی است که در دو تحقیق پیشین رخ داده است.

در سال ۱۹۷۶ یکی از مقامات دادگستری ایالات متحده آمریکا به مطالعه تعلیق مراقبتی در سطح ایالات این کشور پرداخت. در این تحقیق نیز همانند تحقیق "لاندیس" منظور از تکرار کننده جرم کسی بود که از شرایط تعلیق مراقبتی تخطی کرده یا به خاطر ارتکاب جرم جدید در طی مدت تعلیق مراقبتی و یا در زمان انجام این تحقیق محکوم شده بود. این تحقیق نتیجه گرفته است که در مجموع تقریباً ۵۵٪ از مجرمین نتوانسته‌اند مدت زیادی از زمان تعلیق مراقبتی را با موفقیت بگذرانند. به این معنی که یا جرم جدیدی مرتکب شده و محکومیت یافته‌اند، یا شرایط تعلیق مراقبتی را نقض کرده و یا از نظارت گریخته‌اند.<sup>۱</sup>

این تحقیق نتیجه می‌گیرد که بیش از نیمی از مشمولین تعلیق مراقبتی در چهار استان (کانتی) مرتکب تکرار جرم شده‌اند. بدیهی است این نرخ، در صورت صحت، بیانگر عدم حمایت کافی از اجتماع در مقابل دسته‌ای از مجرمان است که به رغم آزادی اعطا شده، همچنان مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند. به نظر می‌رسد این نرخ بالا از جرم مشمولین تعلیق مراقبتی شاید ناشی از آن باشد که کلیه کسانی که به نحوی از انحاء، از مقررات تعلیق مراقبتی تخطی کرده‌اند، تکرار کننده جرم شناخته شده‌اند.

علاوه بر مطالعات گذشته، می‌توان به تحقیق دیگری نیز اشاره کرد. در سال ۱۹۸۴ پژوهشی تحت عنوان «مطالعه خصوصیات شخصیتی مشمولین تعلیق مراقبتی در ارتباط با تکرار جرم» به وسیله «راوندتری» (roundtree)، «ادواردز» (Edwards) و «پارکر» (parker) انجام شد.

1- Comptroller General of the united states. (1976). "states and county Probation: systems in crisis , report to the congress of the united states. Washington, D.c: Government Printing Office, P. 10

محققین به مطالعه ۲۴۱۹ پرونده تعلیق مراقبتی بزرگسالان پرداختند که به دلیل اتمام مدت تعلیق مراقبتی یا تخطی از آن (بین اول ژانویه ۱۹۷۵ و ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸) بسته شده بود. مجموعه‌ای از ۱۰۰ پرونده جنایت (با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده از جمعیت ۲۴۱۹ نفری) انتخاب شد. هدف از تحقیق این بود که روشن شود کدام ویژگی‌های شخصیتی تکرارکنندگان جرم به طور قطعی با نرخ تکرار جرم در ارتباط است. دستیابی به این اطلاعات، طبق نظر نویسندگان، به کارکنان نظام عدالت کیفری اجازه خواهد داد تا تصمیم بگیرند که چه کسی (مجری) برای برخورداری از تعلیق مراقبتی مناسب‌ترین است. در این تحقیق، منظور از تکرار کننده جرم، به نحو وسیعی هم شامل کسانی می‌شود که به نقض شرایط تعلیق مراقبتی پرداخته‌اند و هم کسانی که نحوه گذران شرایط تعلیق مراقبتی آنان، رضایت بخش نبوده است. مورد اخیر (عدم رضایت از نحوه گذران شرایط تعلیق مراقبتی) زمانی اتفاق می‌افتاد که رفتار مجرم مشمول تعلیق مراقبتی رضایت بخش نبوده است. اما از طرف دیگر، قضات آنرا چندان شدید نمی‌دانسته‌اند که مجرم را به زندان (*Prison*) یا *Jail*<sup>۱</sup> محکوم نمایند.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که سابقه محکومیت کیفری، میزان سن در زمان اولین توقیف، تعداد توقیف‌های گذشته، طبقه بندی مجرمین (در جنایت یا جنحه)، سطح آموزش در مدرسه و طول مدت تعلیق مراقبتی، بر نرخ تکرار جرم تأثیرات متفاوتی داشته‌اند. بر اساس این تحقیق مرتکبان جرائم جنایی که تحت تعلیق مراقبتی هستند، بیش از مباشران جرائم جنحه‌ای مستعد نقض شرایط تعلیق مراقبتی و تکرار جرم می‌باشند. شاید دلیل این امر آن است که معمولاً طول مدت تعلیق مراقبتی مرتکبان این گونه جرائم بیش از دیگران است و بنابراین زمان بیشتری جهت ارتکاب مجدد جرم در اختیار دارند. به علاوه، معمولاً جرائم ارتكابی آنان شدیدتر از سایر جرائم است، امری که حکایت از پیشه کردن نوعی زندگی مجرمانه می‌کند. به رغم تعریف

۱- در آمریکا *Jail* نهاد یا موسسه‌ای است که در مقابل *Prison* قرار دارد. محلی است در شهر یا بخش برای نگهداری متهمینی که منتظر محاکمه هستند و نیز بزه‌کارانی که مرتکب جرائم جنحه‌ای شده و به مجازات کمتر از یکسال حبس محکوم شده‌اند. به دلیل افزایش جمعیت زندانها و نیز برای آمادگی ورود به *Prison* (زندانی که محل نگهداری محکومین به حبس بیش از یکسال است) گاهی برخی از بزهکاران به مدت یکسال در *Jail* نگهداری شده و سپس به *prison* اعزام می‌گردند.

وسیع این تحقیق از تکرار جرم، تنها ۱۴ درصد از مشمولین تعلیق مراقبتی مرتکب تکرار جرم شده بودند.

مطالعات راجع به تاثیر تعلیق مراقبتی بر تکرار جرم و نقش آن در کاهش یا عدم کاهش تکرار جرم، از جهت دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است. تردیدی نیست که اگر تعلیق مراقبتی تأثیری در اصلاح مجرمین نداشته باشد، آزاد ساختن بزه‌کاران، بدون تحمیل مجازات، بویژه مجازات حبس، به معنای اعطای فرصتی جدید جهت ارتکاب جرائم جدید و در نتیجه، به معنای قرار دادن جامعه در معرض بزه‌دیدگی بیشتر است. به این دلیل، برخی از تحقیقات ناظر بر تکرار جرم و تعلیق مراقبتی به بررسی تکرار جرم آن دسته از مجرمین مشمول تعلیق مراقبتی پرداخته‌اند که مرتکب جرایم جنایی (جرایم شدید) شده بودند. اهمیت این تحقیقات، همان‌گونه که گفته شد، این است که می‌تواند خطر ناشی از آزادی این گروه از مجرمین را که ناگزیر به دلیل افزایش بی‌رویه جمعیت زندانها (خصوصاً در آمریکا) پذیرفته شد، نشان دهد. در این مورد خصوصاً اشاره به نتایج تحقیق "گنارو - ویتو" ضروری به نظر می‌رسد. او در این تحقیق به بررسی گروهی پرداخت که اطلاعات مربوط به آنان از آمار طرح بزرگ اجرا شده به وسیله مرکز آمار عدالت کیفری کنتاکی، اخذ شده بود.<sup>۱</sup> تحقیق او شامل ۳۱۷ مجرم بود که به علت ارتکاب جرائم جنایی محکوم شده، اما در سال ۱۹۸۲ با برخورداري از تعلیق مراقبتی به مدت ۳۶ ماه آزاد شده بودند.

تعریف "ویتو" از تکرار جرم شامل توقیف جدید، خواه فرد قبلاً محکوم شده باشد یا نه، تخطی از شرایط تعلیق مراقبتی و محکومیت به حبس به خاطر تخلف از شرایط تعلیق مراقبتی بود. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، کسانی که محکوم به جرائم علیه اموال شده بودند، زودتر از کسانی که به اتهام جرائم خشونت بار محکوم شده بودند، مرتکب جرائم جدید یا تخطی از شرایط تعلیق مراقبتی می‌شوند. همچنین نرخ توقیف مجدد (*rearrest*) مشمولین تعلیق مراقبتی کمتر از ۲۲ درصد بوده است. این امر گرچه حکایت از موفقیت این نهاد می‌کند، اما "ویتو" معتقد است که موفقیت

1- Vito, Gennaro, f. (1986). " Felony Probation and recidivism: Replication and response. Federal Probation, 50: 17-25

این نهاد در کاهش نرخ تکرار جرم وابسته به این است که برنامه‌های نظارت دوره تعلیق مراقبتی فوق‌العاده قوی‌تر و فشرده‌تر باشد.

تحقیقی دیگر به وسیله "کلارک" و دیگران در سال ۱۹۸۸ جهت مطالعه تکرار جرم مرتکبین جرائم جنائی مشمول تعلیق مراقبتی بزرگسالان در کارولینای شمالی انجام شد.<sup>۱</sup> در این تحقیق، منظور از تکرار جرم، توقیف مجدد شخص به خاطر ارتکاب جرائمی بود که بعد از آغاز دوره تعلیق مراقبتی اتفاق افتاده بود.

کلارک معتقد است پنج عامل مشخص با تکرار جرم در ارتباط هستند و بر آن تاثیر می‌گذارند: سن، نژاد، جنسیت، مصرف یا اعتیاد به مواد مخدر و تعداد سابقه توقیف‌های قبلی، (سوء پیشینه)، ولی طلاق یا جدا زندگی کردن در مقایسه با مجرد بودن مطلق، تنها به طور جزئی با تکرار جرم در ارتباط است.<sup>۲</sup>

نتیجه مطالعات وی نشان می‌دهد که در طول ۳۶ ماه مدت انجام این بررسی، ۳۳ درصد، یعنی ۶۸۷۳ نفر از ۲۱۷۸۹ نفر افرادی که تحت تعلیق مراقبتی بودند حداقل یک بار به دلیل اتهام ارتکاب جرم جدید توقیف مجدد شده‌اند. او مانند برخی دیگر از محققین، از جمله "ویتو" نتیجه می‌گیرد که آن دسته از مباشران جرائم جنایی که با درصد بالای احتمال تکرار جرم تحت تعلیق مراقبتی قرار می‌گیرند، نیازمند نظارت فشرده‌تر و شدیدتری (*intensive supervision*) به وسیله مأمور تعلیق مراقبتی هستند، مأموری که مجرمین کمتری را برای نظارت در اختیار داشته باشد. در واقع او تاکید می‌کند که برنامه‌های نظارت شدید برای مرتکبان جرائم جنایی خطرناک یا دارای خطر بالا (*highrisk*) ضروری است.

تحقیق دیگری که اشاره به آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد، مطالعه‌ای است که به بررسی تاثیر تعلیق مراقبتی مرتکبان جرائم جنایی بر نرخ تکرار جرم آنها، در نیو جرسی پرداخته است.<sup>۳</sup>

1- Clarke, Stevens H., Yuan \_ Huej W, lin and w. Leann wallace. (1988) " Probationer recidivism in north carolina: Measurment and classification of risk. " institute of government, university of north carolina at chapel Hill.

2- Ibid. P. 6

3- whitehead, John T. (1989) Result from an Eeastern State ". Justice quarterly 8: 525-543

این تحقیق، محدود به مباشران جرائم جنایی تحت تعلیق مراقبتی بود که در سال ۱۹۷۷-۱۹۷۶ به خاطر ارتکاب یکی از این جرائم مشمول آن بودند. این جرایم شامل سرقت مال به عنف یا سرقت مقرون به اذیت و آزار، سرقت از منازل و جرائم مواد مخدر شامل نگهداری این مواد به منظور توزیع غیر قانونی مواد مخدر یا افزایش استعمال ماری جوانا بوده‌اند.

هدف محقق از انجام این تحقیق، این بود که تعیین نماید آیا براساسی با اعطای تعلیق مراقبتی به مرتکبان جرائم جنایی، شهروندان در معرض مخاطره تکرار جرم آنان قرار می‌گیرند یا خیر؟

در این تحقیق، منظور از تکرار جرم توقیف مجدد یا محکومیت در سه یا چهار سال مدت زمان تعلیق مراقبتی و کلیه سالهای پس از آن تا اول جولای ۱۹۸۶ بوده است. محقق دریافت که تقریباً ۴۰ درصد از مباشران جرایم جنایی تحت تعلیق نیوجرسی در طول ۳۶ یا ۴۸ ماه پس از صدور حکم مورد توقیف مجدد قرار گرفتند. در حالی که ۳۱ درصد در طول ۳۶ ماه، از زمان صدور حکم و ۲۵ درصد در طول مدت ۴۸ ماه از زمان صدور حکم مورد محکومیت مجدد قرار گرفتند. در نتیجه "وایتهد" دریافت که نرخ تکرار جرم، به طور مشخصی، متأثر از عوامل زیر است: محکومیت‌های جنایی پیشین چه در زمان کودکی و چه در بزرگسالی، درآمد مجرم تحت تعلیق مراقبتی در زمان توقیف و محکومیت اخیر، سطح و ترتیبات زندگی، اینکه آیا مرتکب در زمان تکرار جرم با همسر یا فرزندان خود زندگی میکند (به عنوان عامل موثر بر محکومیت)، نژاد (سفید، سیاه و امریکایی لاتین)، و سن. او نتیجه می‌گیرد که تعلیق مراقبتی مرتکبان جرائم جنایی میتواند جانسین حیاتی و ضروری برای کیفر سالب آزادی تلقی گردد. به علاوه، نظارت فشرده نباید تنها به اجرای شرایط تعلیق مراقبتی متمرکز شود، بلکه باید اشتغال بزه‌کاران و حل مشکلات آنها در ارتباط با مواد مخدر و الکل نیز اقدام نماید. از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که تعلیق مراقبتی می‌تواند تا حدود زیادی از پدیده افزایش جمعیت کیفری و به تبع آن، هزینه‌های زیادی که بر جامعه وارد می‌شود، جلوگیری نماید. علاوه بر این استفاده از این نهاد تا حدود زیادی از تحقق پدیده پذیرش فرهنگ از زندان پیشگیری می‌کند و فرایند بازپروری اجتماعی را نیز تکمیل می‌کند. تردیدی نیست حصول کامل به این مقصود، نیازمند شرایطی است که



در تعلیق مراقبتی باید رعایت گردد. اکنون با عنایت به آنچه که در خصوص تعلیق مراقبتی و کارکردهای آن بیان گردید، می‌توان به مطالعه آزادی مشروط و ارزیابی آن نیز پرداخت.

### مبحث دوم: آزادی مشروط و ارزیابی جرم‌شناختی آن

آزادی مشروط به عنوان روشی برای مبارزه با تکرار جرم مورد توجه بسیاری از نویسندگان قرار گرفته و حتی مناسب‌ترین روش برای این منظور شناخته شده است. در سال ۱۹۶۷ "لوندن" ضمن آنکه در سخنی سنجیده خاطر نشان می‌کند: «آزادی مشروط (*Parole*) امیدی برای زندانیان و مشکلی برای متصدیان آن است»<sup>۱</sup> می‌نویسد: "تکرار جرم آمده است تا به عنوان مشکلی گیج کننده و حیرت‌زا برای کنترل بزه‌کاری مطرح گردد و چون آزادی مشروط نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر روشهای درمانی که تا کنون شناخته ایم می‌تواند بیشترین نوید را برای پیشگیری از تکرار جرم بدهد، بنابراین اجرای شایسته آن خواهد توانست به عنوان یکی از موثرترین روشها برای پیشگیری و کنترل جرم باشد."<sup>۲</sup> در این راستا، "یکی از مهمترین دلایل توسعه نهاد آزادی مشروط درک روز افزون این واقعیت بوده است که چیزی بیش از برنامه معمولی زندان باید معرفی شود تا موجب پیشرفتی برای مهار بزه‌کاری گردد."<sup>۳</sup>

نهاد آزادی مشروط، صرف نظر از جنبه فوق، از جهتی دیگر نیز در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است. با افزایش روز افزون جمعیت زندانها، خصوصاً در آمریکا، اتخاذ راهبردها و روشهای متعدد برای مقابله با این مشکل مد نظر واقع شده است که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم نمود: راه حل‌های "ناظر به درب ورود"<sup>۴</sup> (جلو) که مبتنی بر کاهش پذیرش زندان یا تقلیل طول مدت حبس زندانیان پذیرش شده است،

1 - Lunden, Waite A. (1967) "Crimes and Criminals." The Iowa State university Press, P.292

2- idid. P. 239

3- idid.

4- Front-door solutions

راه حل‌های موسوم به "درب خروج"<sup>۱</sup> که مبتنی بر افزایش تعداد آزاد شدگان از زندان با تسریع در اعطای آزادی مشروط است و سومین راه حل که البته فوق العاده پر هزینه نیز هست افزایش ظرفیت زندانهاست.

در این راستا به جهات متعدد و خصوصاً از جهت اقتصادی استفاده هر چه بیشتر از آزادی مشروط مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲</sup> در این مبحث ضمن بررسی مختصر چگونگی تأسیس این نهاد، تلاش می‌شود تا به نحو خلاصه کیفیت تاثیر این نهاد بر تکرار جرم را مورد ارزیابی قرار دهیم.

### گفتار اول: تاریخچه آزادی مشروط

نهاد *Parole* در واقع آزادی مشروط بزه‌کاری است که به عنوان زندانی بخشی از مدت حبس خویش را در زندان سپری کرده و سپس طبق قانون و بنا به تصمیم دادگاه آزاد می‌شود. در بررسی تاریخی، بنیان این نهاد را باید در مفهوم "برگه خروج یا ترک"<sup>۳</sup> زندانهای انگلستان جستجو نمود که در واقع ریشه و مبنای سایر روشهای مدرن آزادی از زندان به شمار می‌رود. این نهاد بخشی از قانون کار اجباری ۱۸۵۳ انگلستان را تشکیل می‌داد که بر مبنای آن، زندانیانی که چهارده سال یا کمتر مجازات

#### 1- back-door solutions

2- Harris. M.K. (1982) *Reducing prison crowding: An Overreview of Options*. Washington. D.C: national institute of corrections.

- Harris, m. k (1982) *Reducing prison crowding and nonprison penalties*. *Anna Ls of the American Academy of Political and social science*, 478: 150-160

- Austin, james and Bkeisberg. (1985) "incarceration in the united states: the extent and future of the problem." *Annals at the american Academy of political and social science* 478: 15-30

- Skovron, sandrae E. (1988) "prison crowding: the dimensions of the problem and strategies of population control". in *Controversial issue in crime and justice*. edited by Josephe E. Scott and Travis hirschi, New bury park, Ca: Sage Publication, Inc.

- Funk. G. S. (1985) "The economics of prison crowding". *annals of the american academy of political and social science*, 478: 86-99

- Kaufman, G (1985) *The national Prison Crowding Project; Policy Analysis and Politics, a new approach*. " *Annalls of the american academy of political and social*, 478: 161-172

- Austin, james. (1986) "using early release to relieve Prison Crowding: A dilemma in Public Policy", *crime and delinquency*, 32: 391-403

#### 3- Ticket of Leave

شده بودند به زندان فرستاده می‌شدند. اما به قضات این اختیار اعطا گردید که بتوانند دستور انتقال بزه‌کارانی که بیش از ۱۴ سال مجازات تحمل کرده بودند را نیز بدهند. علاوه بر این، آنها طول مدت زمانی را که تحمل آن برای برخورداری زندانی از آزادی مشروط براساس مفهوم برگه خروج ضروری بود، تعیین می‌کردند.<sup>۱</sup>

بزه‌کارانی که با استفاده از "برگه خروج" آزاد می‌شدند، به وسیله پلیس محلی ایرلند تحت نظارت قرار می‌گرفتند.<sup>۲</sup> رسمیت و استقرار این نهاد، مرهون تلاش‌های "ویلیام کروفتان" (*W. Croftan*) ایرلندی است که در توسعه برنامه‌های اصلاحی بزه‌کاران کوشا بود.<sup>۳</sup> نهادی که "کروفتان" بنیان گذارد و امروزه به عنوان آزادی مشروط شناخته میشود متشکل از سه مرحله بود که نهایتاً بزه‌کار را به زندگی در جامعه هدایت می‌کرد. مرحله اول مرکب از حبس مجرد و کاهش و کند نمودن روند کار یکنواخت بود. مرحله دوم انتقال به کارهای عمومی و پیشرفت در آن در سطوح مختلف بود، به نحوی که در هر سطحی از پیشرفت، مدت توقف در آن سطح کم می‌شد. و آخرین مرحله، انتقال به جامعه و کار در آن با حداقل نظارت بود. اگر رفتار مجرم مستمراً خوب بود و اگر او قادر به پیدا کردن شغل در جامعه می‌شد، بر اساس همان مفهوم برگه خروج به جامعه باز می‌گشت. با تخطف بزه‌کار از شرایطی که به وسیله ناظران آزادی مشروط تعیین می‌شد، برگه خروج لغو و مرتکب دوباره مجازات می‌گردید.<sup>۴</sup>

موفقیت این نهاد منجر به این شد که در انگلستان و ایرلند جنبه قانونی بگیرد و دولت افرادی را جهت نظارت بر مجرمین مشمول آن استخدام نماید.<sup>۵</sup> رویکرد جدید جهت جانشین سازی مجازات حبس از طریق استفاده از آزادی مشروط بویژه در آمریکا

1- Dressler. David (1959) *Practice and Theory of Probation and Parole*. New York: Columbia university Press.

2- Abadinsky, Howard. (1977) *Probation and Parole: Theory and Practice*. Englewood cliffs. New jersey: Prentice Hall. Inc.

3- Harris, m.K (1985) *Reducing Prison Crowding and Nonprison Penalties*. *Annals of the American Academy of Political and social science*, 478: 150 – 160

4- Barnes Harry E. (1930) *The story of Punishment*. Boston: Stratford.

5- Abadinsky, (1977) *OP. cit.*, P 158.

ظهور و بروز کرده است. این رویکرد در واقع برای حل مسئله افزایش جمعیت زندان و نیز درمان بزه‌کاران مورد توجه قرار گرفت. در ۱۲ اکتبر ۱۸۷۰، کنگره زندانهای آمریکا در سین سیناتی (اوهایو) تشکیل شد تا به ترسیم و تدوین نقشه‌ها و برنامه‌های یک زندان آرمانی بپردازد.<sup>۱</sup> از این کنگره، توصیه‌های چندی راجع به تاسیس نهادهای اصلاحی و زندانهایی که هدف آنها بازپروری بزه‌کاران است، ارائه گردید.<sup>۲</sup> توجه به مفاد قطعنامه این کنگره می‌تواند اهمیت یافته‌های آن را روشن نماید. مهمترین نکات مورد اشاره در قطعنامه این کنگره عبارت از موارد زیر است:<sup>۳</sup>

۱. زندان باید بر اصلاح و نه تحمیل رنج و عذاب (بر بزه‌کار) تأکید نماید.
۲. مذهب و آموزش دو کلید مهم اصلاح (بزه‌کار) هستند.
۳. برای رفتار خوب باید پاداش در نظر گرفته شود.
۴. عزت نفس زندانی از انجام کار سخت بر می‌آید.
۵. سیستم سکوت باید ملغی گردد.
۶. هیچ قرار داد کاری نباید وجود داشته باشد.
۷. نظام واحدی از آمارهای جنایی باید تاسیس گردد.
۸. نهایتاً اختیار اصلاح و بهسازی در دست خود بزه‌کار است.

یکی از مهمترین نتایج این کنگره، تأسیس زندان المیرا (*Elmira*) در سال ۱۸۷۹ است که هدف از آن آماده‌سازی بزه‌کار جهت بازگشت به اجتماع به جای تحمل حبس است. مهمترین تحولات ناشی از این سیستم، کمک به زندانیان آزاد شده و قبول نهاد برگه خروج یا آزادی مشروط بوده است.<sup>۴</sup>

در مرکز بازپروری المیرا بزه‌کاران به سه رتبه تقسیم شدند. در مرحله ورود، هر بزه‌کار در رتبه دوم قرار می‌گرفت. رفتار خوب بزه‌کار پس از شش ماه او را مستحق ورود به مرحله اول می‌نمود که در نتیجه، آنجا می‌توانست مشمول آزادی مشروط قرار گیرد و رفتار ناشایست بزه‌کار او را به مرحله سوم سوق می‌داد که در نتیجه می‌بایست با

1- Allen and simonsen (1978) *OP.cit.*, P. 51.

2- Barnes.H. (1930) *OP.cit.*, P.45.

3- Barnes, Harry E. and Negleyk, Teeters (1951) *New horizons in criminology*. New york: Prentice Hall.

4- Allen , Harry E , C.W. Eskridge. , E.J.Latessa , and G.F.vito (1985) *Probation and Parole in America* , New yurk , Free Press , P. 27.

چند ماه رفتار شایسته به مرحله دوم باز گردد.<sup>۱</sup> سه ویژگی اساسی این سیستم عبارت بودند از:

۱. در این سیستم بر اصلاح فرد، بیش از تنبیه او تأکید می‌شد.

۲. به پیشرفت فرد نمره‌ای داده می‌شد.

۳. تأکید افزون در این سیستم اصلاحی بر آموزش بزه‌کار بود.

با رشد نهضت اصلاح در آمریکا و سایر کشورها، نهاد آزادی مشروط نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفت و فراتر از وسیله‌ای جهت حل مشکل ازدحام جمعیت زندان، به عنوان راهی برای بازگشت زندانیان به جامعه مدنظر واقع شد.<sup>۲</sup> چنانکه می‌دانیم کیفیت استفاده از این نهاد در کشورهای مختلف متفاوت است. به عنوان مثال، صدور حکم آزادی مشروط در ایران از اختیارات قاضی (دادگاه) صادر کننده حکم است، در امریکا تصمیم‌گیری در خصوص اعطا یا عدم اعطای آزادی مشروط بر عهده نهادهای به عنوان دفتر یا هیأت آزادی مشروط (*Parole board*) است. این هیأت وظیفه بررسی صلاحیت مجرم و ضرورت یا عدم ضرورت آزادی مشروط وی را برعهده دارد. با وجود این نهاد آزادی مشروط، مورد انتقادهای متعدد نیز قرار گرفت. اهم این انتقادات بیش از آنکه راجع به ماهیت نهاد آزادی مشروط باشد، راجع به فرایند تصمیم‌گیری ناظر بر آن است.

مخالفین ادعا می‌کنند که تصمیم‌گیری برای اعطای آزادی مشروط با آگاهی کامل صورت نمی‌پذیرد و در این مورد معیارهای دقیق و صریحی وجود ندارد.<sup>۳</sup> به عنوان مثال، "هوگارت" تأکید میکند که تصمیم واقعی (دادگاه) تنها زمانی میتواند اجرا شود که کاملاً آگاهانه اتخاذ شده باشد. تصمیمی که بدون آگاهی کافی گرفته شده باشد. قابل اجرا نبوده، صرفاً یک نظر است.<sup>۴</sup> "در مقابل، برخی دیگر معتقدند" آزادی عمل

1- Rothman, David (1980) *Conscience and Convenience*. Boston; Little, Brown, P. 34.

2- Reid, Titus sue (1979) *Crime and Criminology*, New york. Holt, Rineharart and Winston.

3- American friends Service committee (1971) *Struggle for justice*. New york: Hill and Wang.

4- Hogarth, J. (1967). *Toward Improvement of sentencing in Canada*. Canadian journal of corrections. 9. P. 134

دادگاه‌ها در اتخاذ چنین تصمیماتی مفید بوده، نمی‌تواند از یک نظام حقوقی حذف گردد.<sup>۱</sup>

در راستای همین انتقادهای، برخی اظهار داشته‌اند "در فرایند پس از محکومیت، بزه کار در سیستم عدالت کیفری"، آزادی مشروط کمترین حضور را داشته و از کمترین پایه منطقی برخوردار است.<sup>۲</sup> و بعضی دیگر بیان نموده‌اند "در بیرون از اجتماع زندانیان بسیاری معتقدند که نهاد آزادی مشروط نهادی بیمار است."<sup>۳</sup>

این انتقادهای که مجموعاً به سه موضوع - عدم توانایی این نهاد جهت حمایت کافی از جامعه، ایجاد تصور عدم حتمیت مجازات در نزد مجرمین و عدم تأثیر این نهاد بر می‌گردد.<sup>۴</sup> خصوصاً در دهه ۱۹۷۰ منجر به آن شد که بسیاری از ایالات آمریکا در قوانین کیفری خود تجدید نظر کنند و آزادی مشروط را حذف و لغو نمایند.<sup>۵</sup>

تردید نیست که همه این انتقادهای ناظر به حدود توانایی و تأثیر این نهاد برای جلوگیری از تکرار جرم و پیش‌گیری از بزه دیدگی مجدد جامعه و اعضای آن است. در اینجا و در ارتباط با تکرار جرم، پرسش مهمی که مطرح می‌گردد این است که آیا آزادی مشروط به عنوان یکی از جانشینهای کیفر سالب آزادی، روش مناسبی برای مقابله با تکرار جرم است؟ و آیا آزاد شدگان مشروط از نرخ تکرار جرم کمتری برخوردارند؟

1- Packer, Herbert L. (1976) *The limits of the criminal sanction*, Stanford, CA: Stanford university Press.

2- Orland, Leonard (1975) *Prisons: Houses of darkness*, New york, The free Press , P. 128.

3- Kastenmeier, Robert W., and Howard C. Eglit (1975) *Parole release decision - making: Rehabilitation, Expertise, and the demise of mythology in parole: Legal Issues decision-making / Research*, by William E. Amos, and Charles L. Newman (eds) (79 - 129) New york. Federal Legal Publications, Inc. p.79.

4 - Gottfredson, Don M. (1975) *Decision-making in the criminal Justice System: Reviews and Essays*. Washington, D.C: U. S. Government Printing Office. P.5.

5 - Neithercutt, M.G. (March 1977) *Parole Legislation*. federal Probation.

### گفتار دوم: آزادی مشروط و تکرار جرم.

بررسی برخی آمارهای موجود و تحقیقات انجام گرفته می‌تواند تا حدودی در ارائه پاسخی روشن به پرسشهای مذکور مؤثر باشد. برخی آمارهای منتشر شده از سوی نظام عدالت کیفری آمریکا، حکایت از آن دارند که بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تعداد کسانی که تحت آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی بودند، با ۱۲۰ درصد افزایش از ۱/۴۳ میلیون نفر به ۳/۲۳ میلیون نفر رسید. در سال ۱۹۸۶، ۶۰ درصد از پذیرفته شدگان زندان « اورگون » (*Oregon*) را کسانی تشکیل می‌دادند که مقررات آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی را رعایت نکرده و یا مرتکب جرائم جدیدی شده بودند. در سال ۱۹۸۹، دو سوم از پذیرفته شدگان زندانهای تگزاس را نیز متخلفین از شرایط آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی تشکیل می‌دادند. در کالیفرنیا نقض مقررات آزادی مشروط از کمتر از ۲ هزار نفر در سال ۱۹۷۸ به تقریباً ۵۸ هزار نفر در سال ۱۹۹۱ رسید و نرخ نقض مقررات آزادی مشروط در این زمان بیش از ۳۵۰ درصد افزایش داشت. در سال ۱۹۸۸، بیش از نیمی از کسانی که در زندانهای کالیفرنیا پذیرفته شدند، از نقض‌کنندگان شرایط آزادی مشروط بودند، اما در سال ۱۹۹۱ نقض‌کنندگان آزادی مشروط ۶۰ درصد جمعیت پذیرفته شده زندانهای کالیفرنیا را تشکیل می‌دادند. در تگزاس بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳، نسبت نقض‌کنندگان شرایط آزادی مشروط (که در مجموع زندانهای ایالات متحده پذیرفته شده بودند) از ۳۵ درصد به ۴۶ درصد افزایش یافت.

این آمار در ایالات دیگر نیز سیر صعودی دارد. به عنوان مثال در ایالت مینی سوتا (*Minnesota*) در سال ۱۹۷۸، ۲۳ درصد پذیرفته شدگان در زندان را متخلفین از شرایط آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی تشکیل می‌دادند، در حالی که در سال ۱۹۹۰ این نسبت به ۴۰ درصد افزایش یافت.

آمارهای منتشر شده از سوی اداره آمار کیفری (*Bureau of justice Statistics*) در مورد نرخ پذیرش زندانهای آمریکا نشان می‌دهد که بین سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۹۱، تعداد کسانی که به دلیل ارتکاب جرم در زمان آزادی مشروط و سایر انواع آزادی مشروط (مانند آزادی با کار (*Workrelease*)) به زندانهای آمریکا

فرستاده شدند با ۲۴۶ درصد افزایش از ۳۹۰۰۳ به ۱۴۲۱۰۰ نفر رسید و نسبت کسانی که مرتکب تخلف از شرایط آزادی مشروط شده بودند از ۵۱ درصد به ۵۸ درصد افزایش یافت.

براین تعداد، می‌توان آمار فراریان تحت آزادی مشروط را نیز افزود. به عنوان مثال، از جمعیت تحت آزادی مشروط نیویورک که در سال ۱۹۸۵، ۲۰۳۰۰ نفر بوده‌اند، ۲۰۰۰ نفر فرار کرده‌اند. این تعداد در نیویورک و در سال ۱۹۸۸ از ۳۴۰۰۰ نفر تحت آزادی مشروط به ۴۸۰۰ نفر فراری رسید. بنابراین در طول ۳ سال تعداد فراریان از آزادی مشروط از ۱۰ درصد به ۱۴ درصد رسید. این درصد در تگزاس (در سال ۱۹۸۷) بالغ بر ۱۳/۵ درصد است. از جمعیت تحت آزادی مشروط این ایالت در ۱۹۸۵ که ۲۷۰۰۰۰ نفر بوده‌اند، ۳۶۵۰۰ نفر فرار نموده‌اند در سال ۱۹۸۸ از میان ۲۸۹۰۰۰ بزهکار تحت آزادی مشروط ۵۵۰۰۰ نفر فرار کرده‌اند که بالغ بر ۱۹ درصد می‌شود.<sup>۱</sup>

برای این افزایش ناگهانی، جهات و دلایل متعددی را ذکر نموده‌اند که بررسی آنها از حوصله این نوشته خارج است، اما مهمترین این دلایل عبارتند از:

۱. تغییر در اهداف نظارت اجتماعی
۲. افزایش جمعیت آزاد شدگان مشروط و مشمولین تعلیق مراقبتی
۳. افزایش شرایطی که آزاد شدگان مشروط و مشمولین تعلیق مراقبتی ملزم به رعایت آنها هستند.
۴. استفاده از فن آوری پیشرفته جهت کشف و تعقیب نقض شرایط آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی.
۵. تغییر نوع مجرمین مشمول آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی.<sup>۲</sup> به عنوان مثال در اکثر ایالات، مرتکبین جنایات مستحق آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی شناخته نشده بودند، لیکن به دلیل افزایش جمعیت زندان‌ها، این دسته از مجرمین نیز با آزادی مشروط و تعلیق آزاد می‌گردند.<sup>۳</sup>

1- Parent Dale.g. *Wentworth Dan and Abt associates Inc. (1994), "Responding to Probation and Parole violations", National institute of Justice, P. 1-2*

2- Parent. (1994) *OP.cit.*, P.3-4.

3- *Ibid*, P.3-4.



به طور خلاصه، تخلف از شرایط آزادی مشروط<sup>۱</sup> ممکن است به یکی از شکل‌های سه گانه ذیل باشد:

۱. ارتکاب جرم جدید در زمان آزادی مشروط.
۲. فرار: اگر آزاد شده مشروط شهر، استان یا کشور خویش را بدون اجازه مقام مسؤول ترک نماید، تخلف از آزادی مشروط محسوب می‌شود.
۳. نقض شرایط فنی آزادی مشروط (*Technical violation*)، زمانی مسلم می‌گردد که آزاد شده مشروط، از انجام تعهدات خویش در قبال قرار داد آزادی مشروط خودداری ورزد. به عنوان مثال، ممکن است برای او ورود به برخی اماکن، اشتغال به برخی مشاغل، سکونت در برخی از محلات و غیره ممنوع شده باشد، اما به آن مبادرت نماید.<sup>۲</sup>

بررسی علل ارتکاب مجدد جرم و به طور عام، نقض شرایط آزادی مشروط از جهات متعددی ضروری است و در این رابطه تحقیقات بسیاری انجام شده است. پرسش مهمی که برای مسؤولین اعطای آزادی مشروط (اعم از قضات و سایر تصمیم گیرندگان) مطرح می‌باشد این است که آیا زندانی به اندازه کافی در زندان به سر برده است تا مستحق آزادی مشروط گردد یا خیر؟ این امر، هم به دلیل مالی و هم از نظر اصلاحی و بازپروری و به خصوص از جهت حفظ نظم عمومی و حمایت از جامعه در مقابل بزه کارانی که حداقل یک بار با ارتکاب جرم آن را تهدید کرده اند، فوق العاده دارای اهمیت است. آزادی نابهنگام مرتکب جرم، به واسطه آزادی مشروط، نه تنها ممکن است از روند بازپروری او جلوگیری نماید، بلکه ممکن است بار دیگر جامعه را در معرض تهدید و بزه‌دیدگی قرار دهد.

به دلایل مذکور، تحقیقات متعددی انجام شده است تا از یک طرف به بررسی علل نقض آزادی مشروط از جانب آزادشدگان مشروط بپردازد و از طرف دیگر امکان نقض آزادی مشروط را به وسیله نامزد آن قبل از تصمیم گیری برای اعطا یا عدم اعطای آزادی مشروط پیش بینی (*Prediction*) کند. در اینجا تلاش می‌شود تا با اشاره به

1- Parole Violation

2- Lunden, (1967) OP.cit, p. 305

نتایج برخی از این تحقیقات، اهم دلایل وقوع مکرر جرم یا نقض آزادی مشروط را مورد بررسی قرار دهیم.

در سال ۱۹۸۶، یک گروه تحقیقاتی<sup>۱</sup> کوشید تا با بررسی اهم دلایل موفقیت یا عدم موفقیت آزاد شدگان مشروط، بتواند اصول راهبردی را برای تصمیم گیری در مورد اعطا یا عدم اعطای آزادی مشروط، به هیئت آزادی مشروط کلرادو ارائه کند.<sup>۲</sup>

آنان به بررسی آمار و سوابق ۲۹۲ آزاد شده مشروطی پرداختند که به نحو اتفاقی انتخاب شده بودند. این افراد به دو گروه «موفق» و «ناموفق» تقسیم شدند، تا تعیین شود که چرا پس از دو سال از زمان آغاز آزادی مشروط، مرتکب تکرار جرم شده یا نشده اند. نتایج نشان می‌دهد که ۶۷/۸٪ از آزاد شدگان «موفق» بوده اند، (یعنی مرتکب تکرار جرم نشده اند) در حالی که ۳۲/۲٪ (مردود شدگان) مرتکب تکرار جرم گردیده بودند. نکته جالب توجه آنکه اتخاذ تصمیم راجع به اعطا یا عدم اعطای آزادی مشروط به وسیله هیئت آزادی مشروط ایالت کلرادو مبتنی بر یافته‌های تحقیق پیشین بوده است.

گروه تحقیق اقدام به جمع آوری اطلاعات از سوابق آزاد شدگان مشروط کرد و سپس آنها را به مدت دو سال از زمان آزادی مشروط پیگیری نمود تا موفقیت یا عدم موفقیت آنان را از نظر تکرار یا عدم تکرار جرم ارزیابی کند. اطلاعات جمع آوری شده اصولاً شامل چهار موضوع بوده است. ۱- ماهیت و چگونگی جرم ارتكابی پیشین ۲- مدت و شدت محکومیت قبلی ۳- سوابق شخصی و ۴- کیفیت رفتار در مراکز نگهداری.

از میان متغیرهای متعددی که مورد توجه گروه تحقیق بوده است، هفت متغیر به نحو مشخص و قطعی با نتایج آزادی مشروط در ارتباط بوده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از: ۱- محکومیت‌ها ۲- مجموع مدت حبس تحمل شده ۳- سن ارتكاب اولین جرم ۴- اجرای کلی آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی قبلی ۵- اعتیاد یا وابستگی به هروئین، تریاک و الکل ۶- شغل ثابت یا حضور در مدرسه. ۷- رفتار بعد از محکومیت.

1- Pogrebin, M.R. Poole, E. D. and Regoil, R.M. (1986) Parole decision making in Colorado. *Jouanal of Criminal justice*, 14, 147 - 155.

2- Colorado State Parole Board.

تجزیه و تحلیل گروه تحقیق از نتایج آزادی مشروط با در نظر گرفتن شاخص‌های هفت‌گانه مذکور نشان می‌دهد که تقریباً ۸۵٪ از آزادشدگان مشروط با هیچ سابقه محکومیت یا تحمل حبس، در طی دو سال آزادی مشروط موفق بوده و مرتکب جرم نشده‌اند. همچنین بزه کارانی که در زمان ارتکاب جرم، مسن تر از دیگران بودند، در گذران آزادی مشروط نیز موفقیت بیشتری داشته‌اند. بنابراین آغاز ارتکاب جرم در سنین بالاتر منجر به موفقیت بیشتر در آزادی مشروط می‌گردد.<sup>۱</sup>

زندانیانی که سابقه نقض آزادی مشروط نداشته‌اند، یا تنها یک بار چنین سابقه‌ای داشته‌اند، ۲۷٪ بیش از کسانی که دوبار و بیشتر سابقه نقض آزادی مشروط داشته‌اند، دارای موفقیت بوده‌اند. همچنین عدم وابستگی به مواد مخدر (هروئین، تریاک، الکل و غیره) و نیز برخورداری از شغل تمام وقت یا حضور ثابت در مدرسه به عنوان عوامل موثر در موفقیت آزاد شدگان مشروط تلقی گردیده است.

علاوه بر این، رفتار مثبت در مراکز نگهداری، به عنوان عاملی بسیار موثر در موفقیت آزادشدگان مشروط تلقی می‌گردد. ۷۴ درصد از بزه‌کارانی که شرایط نگهداری خود را با رفتار شایسته در زندان بهبود بخشیده بودند در گذران آزادی مشروط موفقیت داشته‌اند. در مقایسه با آن، تنها ۳۳ درصد از کسانی که چنین بهبودی در شرایط نگهداری خود ایجاد نکرده بودند، موفقیت داشته‌اند.

در این مورد، همچنین می‌توان به آمار اداره آمار کیفری آمریکا اشاره نمود. مطالعه اولیه این آمار، که در نوامبر ۱۹۸۴ منتشر شده است، حاکی از آن است که میان نرخ تکرار جرم آزاد شدگان مشروط ۱۴ ایالت مورد نظر در این آمار شباهت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. تقریباً یک سوم آزاد شدگان مشروط این ایالات با ارتکاب جرم جدید در طول سه سال پس از آغاز آزادی مشروط، مرتکب تکرار جرم شده‌اند و یک چهارم آنان در طول مدت دو سال یا کمتر به زندان بازگشته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که مرتکبان جرائم علیه اموال ۳۶/۸ درصد بیش از مرتکبین جرائم خشونت‌بار (با ۳۱/۵ درصد) احتمال بازگشت به زندان پس از آزادی مشروط را دارند. همچنین آزادشدگان مشروطی که سوابق حبس بیشتری دارند، در مقایسه با دیگران، احتمال

1- "The Older The inmate at First Commitment , The More likely They Were to Succeed on Parole."

تکرار جرم بیشتری دارند. بر اساس این آمار بیشترین نرخ تکرار جرم از نظر جنسیت از آن مردان، از نظر سن، از آن جوانان و از نظر نژاد از آن افراد جامعه آمریکای لاتین (Hispanic) است.

در همین مورد می‌توان به آمار دیگری از اداره مذکور اشاره نمود که در ماه می (May) ۱۹۸۷ منتشر شده و کامل تر از آمار قبلی است.<sup>۱</sup> این گزارش به بررسی فعالیت مجرمانه ۳۹۹۵ آزاد شده مشروط در ۲۲ ایالت و در طول مدت بیش از ۶ سال، یعنی از ۱۹۷۸ به بعد پرداخته است. براساس این آمار تقریباً ۶۹ درصد آزاد شدگان مشروط، در طول مدت انجام این مطالعه به دلیل ارتکاب جرم شدید یا سنگین مورد بازداشت مجدد قرار گرفتند. برخی از مهمترین یافته‌های این مطالعه عبارتند از:

۱. تقریباً ۳۶۰۰۰ جنایت یا جنحه شدید و سنگین به وسیله آزادشدگان مشروط روی داده است. و تقریباً ۱۰ درصد آنان مسؤول ۴۰ درصد جرائم ارتكابی جدید بوده اند.
۲. تقریباً ۲۰ درصد از توقیف‌های اخیر به خاطر ارتكاب جرائم در زمان آزادی مشروط در ایالات دیگر، صرف نظر از ایالت اصلی محل اجرای آزادی مشروط، وقوع یافته است.
۳. نرخ تکرار جرم در دو سال اول پس از آزادی از زندان (آزاد شدگان مشروط) بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد. در یکسال ۳۲ درصد دوباره توقیف شده اند و در طول سال دوم ۴۷ درصد.
۴. تکرار جرم در میان مردان بیش از زنان بوده است. آمریکاییان افریقایی تبار و کسانی که آموزشهای دبیرستان را به پایان نرسانده بودند، بیشترین درصد تکرار جرم را داشته اند.
۵. سه چهارم از بزه‌کاران جرائم علیه اموال که مشمول آزادی مشروط قرار گرفته بودند دوباره بازداشت شده‌اند، در مقایسه با دو سوم از بزه‌کاران جرائم خشونت بار که مشمول آزادی مشروط قرار گرفته و سپس بازداشت گردیده اند.
۶. طولانی تر بودن سابقه بازداشت آزاد شدگان مشروط، برابر است با افزایش بیشتر نرخ تکرار جرم.

1- Beck, A. J. and Shipley, B. E. (1987) *Recidivism of young Parolees. Bureau of justice statistics, Special Report. NcJ-104916, may.*

۷. هر چه زمان ارتکاب اولین جرم و بازداشت مرتکب زودتر باشد، احتمال تکرار جرم آزاد شده مشروط نیز بیشتر است.

۸. مدت حبس تحمل شده در زندان، رابطه پایداری با نرخ تکرار جرم آزاد شده مشروط ندارد.

علاوه بر آمار فوق، یکی از مهمترین آمارهای اداره آمار کیفری آمریکا در این باره، در آوریل ۱۹۸۹ منتشر شده است.<sup>۱</sup>

این بررسی، تعداد ۱۶۰۰۰ زندانی را که در سال ۱۹۸۳، به طور مشروط آزاد شده بودند، در طول بیش از ۳ سال مورد نظر قرار داد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که ۶۲/۵ درصد از آزاد شدگان مشروط، در طول مدت انجام این مطالعه، به دلیل ارتکاب جنایت یا جنحه شدید دوباره بازداشت شده اند. اهم یافته‌های این تحقیق، نتایج مطالعه سال ۱۹۸۷ را بدین ترتیب تأیید می‌کند:

۱. نرخ تکرار جرم در اولین سال (۴۰ درصد) در بالاترین سطح است.

۲. ۱۲/۵ درصد از بازداشت‌های مجدد، خارج از ایالت محل اجرای آزادی مشروط به وقوع می‌پیوندد.

۳. تکرار جرم با سن ارتباط معکوس دارد.

۴. سوابق کیفری بیشتر مساوی است با نرخ تکرار جرم بیشتر.

۵. مرتکبان جرائم علیه اموال بالاترین نرخ تکرار جرم را دارند.

۶. سابقه فرار یا نقض آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی بر افزایش نرخ تکرار جرم مؤثر است.

۷. مدت زمان تحمل حبس، عامل مؤثری در تکرار جرم آزاد شدگان مشروط محسوب نمی‌گردد.

علل اصلی چنین میزانی از بازگشت مجدد آزاد شدگان مشروط به زندان را مطابق گزارش اداره آمار جنایی باید در «تغییر سیاست اصلاح و بازپروری بزه‌کاران و علاوه

1- Beck, A.G. and Shipley, B.E. (1989) Recidivism of Prisoners released in 1983. Bureau of Justice Statistics Special Report. Nej-116261-April.

بر آن رفتار بزه‌کاران مذکور<sup>۱</sup>، جستجو نمود. تاکید روزافزون بر استفاده از حبس با تغییر سیاست استفاده از احکام معین به جای احکام نامعین در طول دهه گذشته، و به علاوه افزایش جمعیت آزاد شدگان مشروط نیز از دیگر دلایل چنین افزایشی بر شمرده شده است.

در اینجا اشاره به تحقیقی دیگر، در ارتباط با آزادی مشروط و تکرار جرم، ضروری به نظر می‌رسد. در سال ۱۹۸۵ "کونل" و "سیمز" گروه وسیعی شش گروه آزاد شده مشروط در سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ مشتمل بر ۱۶۰۰ بزه‌کار را مورد مطالعه قرار دادند.<sup>۲</sup>

بخشی از گروه آزاد شده در سال ۱۹۷۹ که مشتمل بر ۱۸۶۷ نفر بودند، به عنوان گروه شاهد مورد استفاده قرار گرفتند تا تأثیر برنامه آزادی پیش از موعد و اشنگتن بر نرخ تکرار جرم را مورد بررسی قرار دهند. تقریباً به طور متوسط ۴۵ روز از مدت زندان این آزاد شدگان پیش از موعد در مقایسه با گروه مورد مقایسه که مجازات زندان خود را به طور کامل تحمل کرده بودند، کاهش یافت. به طور کلی، در پایان، بین نرخ تکرار جرم و نوع جرائم ارتكابی دو گروه (آزاد شده زود هنگام و معیار و مقایسه) در طول سالهای اول، دوم و سوم انجام این مطالعه تفاوتی قطعی و مشخص ملاحظه گردید. محققان نتیجه گرفته‌اند که آزادی پیش از موعد می‌تواند به عنوان راه حلی موقت برای حل مشکل ازدحام جمعیت زندانیان به شمار آید.

در تحقیقی دیگر "اوستین" به بررسی تأثیر برنامه آزادی پیش از موعد ایلی‌نویز پرداخت.<sup>۳</sup> در تلاش برای کنترل ازدحام و خامت بار جمعیت زندان، بخش اصلاح و درمان ایلی‌نویز در طول سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ اقدام به اجرای برنامه آزادی پیش از موعد تقریباً ۲۱۰۰۰ زندانی که مشتمل بر حدود ۶۰ درصد از کل آزاد شدگان می‌شدند، نمود. تقریباً به طور متوسط ۱۰۵ روز که شامل ۱۲ درصد از مدت محکومیت زندانیان

1- Bureau of Criminal Statistics (1988) Collaborative Report " Parolees Returned to Prison and The California Prison Population " State of California /Department of justice, P. 4.

2- Sims, B. and j. O, connel (1985) Early Release: Prison overcrowding and Public safety Implication. Olympia, WA: Office of Financial management.

3- Austin, James (1989) " Using Early Release to Relieve Prison Crowding: A Dilemma in Public Policy, Crime and Delinquency, 32: 391 - 403

بود، به زندانیانی که دارای رفتار شایسته بودند، بخشش داده شد و آزاد گردیدند. این مطالعه با انتخاب اتفاقی، به مطالعه ۱۵۰۰ زندانی که بر اساس برنامه مذکور از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ آزاد شده بودند، پرداخت. این گروه مشتمل بر ۳۵۵ زندانی بود که یک سال قبل از اجرای برنامه آزادی پیش از موعد، برای مدت ۳۰ ماه آینده آزاد شدند. همچنین این گروه شامل زندانیانی میشد که زمان محکومیت خود را به طور کامل در طول مدت اجرای برنامه‌های آزادی پیش از موعد طی کرده و به پایان رسانده بودند. در این میان بین گروهی که پیش از موعد آزاد شده بودند و کسانی که زندان خود را به طور کامل طی کرده بودند، نیز مقایسه شد. سؤالهای اصلی این تحقیق عبارت بودند از:

۱. آیا آزادی پیش از موعد موجب کاهش ازدحام جمعیت زندان می‌شود؟
۲. آیا آزادی پیش از موعد نرخ جرائم را افزایش می‌دهد؟
۳. آیا آزادی پیش از موعد تأثیری بر هزینه‌های نظام عدالت کیفری و جامعه دارد؟

در ارتباط با پرسش اول، اطلاعات حاصله حکایت از آن دارد که جمعیت زندان‌های مورد مطالعه با اجرای برنامه آزادی پیش از موعد، ده درصد کاهش یافته است. با این وجود، این برنامه تنها یک مرهم موضعی و کوتاه مدت به منظور کاهش جمعیت زندان بوده است، زیرا سیاست‌های اتخاذی و قوانین مصنوب بعدی، دلیل اصلی افزایش جمعیت زندان به شمار می‌رفته‌اند.<sup>۱</sup> در ارتباط با پرسش دوم، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که آزادی پیش از موعد احتمال بازداشت مجدد و بازگشت به زندان به دلیل تکرار جرم را در مقایسه با گروهی که مدت زندان خود را به طور کامل طی کرده‌اند، افزایش نمی‌دهد. نرخ فعلی جرائم ارتكابی آزادشدگان پیش از موعد در مقایسه با نرخ جرائم ارتكابی کسانی که مدت کامل محکومیت خود را طبق سوابق موجود در زندان ایلی‌نویز طی کرده بودند، نسبتاً خیلی کمتر بوده است. در ارتباط با پرسش سوم، آزادی پیش از موعد به طور کلی بر کاهش هزینه زندان موثر است.

اوستین استدلال می‌کند که خطر تهدید اجتماع از طریق آزادی پیش از موعد بزه‌کاران می‌تواند با شناسایی و آزادی مجرمینی که کمتر خطر ناک هستند کاهش یابد.

## نتیجه گیری

کارایی یا ناکارایی نهادهای حقوق کیفری صرف نظر از ماهیت آنها که گاهی نیازمند اصلاحات بنیادین و تحولات اساسی است به اتخاذ تدابیر و تصمیمات دیگری بستگی دارد که بدون توجه به آنها نمی‌توان به عدم بازگشت بزه‌کاران به زندان یا کاهش نرخ تکرار جرم امیدوار بود. با وجود این استفاده از نهادهایی چون آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی نه تنها مستقیماً بر کاهش جمعیت کیفری زندان و هزینه‌های آن تاثیر مثبت دارد، بلکه با رعایت برخی شرایط موجبات کاهش نرخ تکرار جرم را نیز در پی خواهد داشت. آنچه در این خصوص حایز اهمیت است آنکه برای افزایش تاثیر تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط، علاوه بر ضرورت اتخاذ برخی تدابیر ناظر به مرحله پیش از آزادی، همانند ارائه آموزش‌های علمی - فنی و حرفه‌ای و ...، ضروری است که حتی‌الامکان به تأسیس و تقویت نهادهای پس از آزادی و از جمله مراقبت‌های بعد از خروج و نظارت پرداخته و بویژه با اجرای برنامه‌های نظارت فشرده از رها کردن آزاد شده مشروط یا بزه‌کار مشمول تعلیق مراقبتی در جامعه جلوگیری شود.

مطالعه کیفیت تأسیس تعلیق ساده مجازات و آزادی مشروط در نظام حقوق کیفری ایران و چگونگی توسل به آنها توسط قضات و نیز ارزیابی نتایج حاصل از آن - که البته جز با برخورداری از آمار جنایی دقیق و ممکن‌الوصول امکان پذیر نخواهد بود - موضوع پژوهش مستقلی است که ضمن تاکید بر ضرورت اجراء یافته‌های آن می‌تواند در سیاست‌گذاری جنایی، مفید و موثر باشد.